

## خودسوزی اُتوریته طب اسلامی با هیزم «هاریسون»!

یادداشت اختصاصی حجت الاسلام علی امیری، مدیر موسسه فقه الطب – (شماره ۱۱)

بسم الله الرحمن الرحيم.

همه شاهد اقدام نسنجیده مدعی دروغین طب اسلامی بودیم. بدون شک این اقدام مذبحخانه، آن هم در عصر تکنوپولی، نه پسندیده است و نه اثر گذار! صادقانه معترفم که دست الفاظِ حقیر، از توصیف این همه بلاهت کوتاه است و یارای ادای حقِ مطلب را ندارد. یادتان باشد که رنج درختان جنگل از تبر آهنی نیست، بلکه از دسته آن است که از جنس خودشان است. حقیقهٔ جریان موجود طب اسلامی برای چون منی، به مثابه آب دهان سر بالاست. آنچه که به ظاهر سوخت و دود شد، مشتی پاپيروس بی جان بود! اما در واقع هیزمِ خودسوزیِ حضراتِ مدعی طب اسلامی بود و تا دودمانِ سلفی مسلکشان را به باد ندهد، خاموش نخواهد نشست. چنگ کشیدن به کتابی که نماد پزشکی رایج محسوب میشود حتی اگر سراپا سقیم هم باشد - که نیست - اماره جهل کسانی شد که بضاعتِ مُزجاتِ علمیشان را در طب و فقه الحدیث، سالهاست صیحه می زنیم. به تعبیر امام امت بالاترین قذارات معنویّه، که تطهیر آن را با هفت دریا نتوان نمود، قذارات جهل مرگب است. خدا می داند که هم از لبخند لبریزم و هم از گریه فراوان! لبخند برای سادگی، سفاهت، مفاخره و مکابره این حضرات! و سراپا گریه ام برای مظلومیت مرویات معتبر طبی که اینگونه در چنگال مشتی نااهل به محاصره در آمده اند.

کسانی که حتی توانمندی تمشیت یک کانال تلگرامی را نیز ندارند و روز و هفته ای نیست که افاضاتشان در فضای مجازی مایه مضحکه اعداء نباشد، ردای براندازی طب شیمیایی برایشان گشاد تر از حد تصور است.

با مفتوح شدن باب اقدامات داعش گونه، قطعاً زمینه برای به مُحاق رفتن کثیری از خزائن موثق و وحیانی طبی فراهم می شود و عرصه برای بی دینان حوزه سلامت فراخ! و در نهایت آنچه ذبح می شود، مجامع موثق حدیثی است که به قتلگاه شبه علم و خرافه انگاری می رود. بنده نه سمپات تربیت شدگان ساینتیسم پزشکی هستم و نه ارادتی به کارتل های صهیونیست و مافیای داروسازی عصر حاضر دارم و نه حتی دلدادگی خاصی به جریان موسوم به «طب ایرانی!» همه را میکاوم و آزادانه رد یا قبول می کنم. لذا اگر این را صادقانه مُقر نباشم جفا در حق «تجربه» کرده ام. کراراً برای تکمیل زنجیره مطالعاتم در کتاب «هاریسون» جستار داشته ام و در مطاوی آن مطالب مفید در حوزه نشانه شناسی، تشخیص و سبب شناسی کم ندیده ام و هیچگاه آن را در رده کتب ضاله به حساب نمی آورم. «فاعتبروا یا اولی الالباب!» آنچه در این مقال حیاتی است واکاوی ابعاد و بررسی علل این اقدامات افراطی و مضمّن کننده است. لذا حرف دل را به قلم سپرده و در چهار بخش، چشمان شما را به نکاتی مهمان می کنم:

## .. ریشه این فتنه را در قرون هفتم بدانید!

آن زمان که مجلسی ثانی در بحار الانوار نوشت: «کتاب طب الأئمة ... لیس فی درجه سائر الكتب لجهالة مؤلفه و لا یضر ذلک ... فی الأدوية و الأدعیة لا نحتاج إلى الأسانید القویة» در واقع خشت کجی را بنا نهاد که امروز کجی آن را در ثریای جریان طب اسلامی به نظاره نشستیم.

دریافته های این طلبه ابجدخوان آن است که خبط استراتژیک محدثین قرون هفتم تا دهم هجری، در نقل مرویات نامعتبر طبی و اعتماد نابجا به برخی کتب حدیثی، تخم فساد را کاشت که امروز ثمر آن، تفکر متصلب مدعیان طب اسلامی است. ضربه سه‌مگینی که ناخواسته از این اعاضلم به بدنه حدیثی شیعه وارد شد ای بسا تا عصر ظهور هم قابل جبران نباشد. (البته نگارنده متذکر می شود که ابدأ رویه علامه مجلسی و هم اقرانشان در فهم و بررسی روایات طبی با مدعیان طب اسلامی یکسان نبوده و تفاوت ماهوی دارد)



آنچه که استنادات بی ضابطه و اجتهاد های افسارگسیخته به مرویات غیر موثق طبی را رقم زد ریشه در تسامح حدیثی در قرن هفتم تا دهم هجری دارد. تا زمانی که در حوزه علمیه روش های اعتبارسنجی و فقه الحدیث به سامان نیاید و فقاقت ورزی در مقام درخور خود ننشیند و معرفت عالمانه افعال خداوند در طبیعت، نه با نگاه داروینی و همسو با مدرنیته، بلکه با نگاهی هماهنگ با تمدن سنتی و وحیانی انبیاء، کاویده و پژوهش نشود، باید همچنان نظاره گر افراط های حضرات طب اسلامی باشیم.

## ۲. «این» افراط ها، نتیجه «آن» تفریط ها است!

آجایی که به مناصب رده بالای حدیثی در قم تکیه زده اند و در موسسات، پژوهشگاه ها و هیئت علمی ها جا خوش نموده اند و با تبختر سخن از تیغ تیز علم رجال می گویند و چگونگی تشخیص وضع و جعل مرویات طبی را در کتبی چون «الموضوعات» و در خلال مطالب بی مایه افرادی چون «ابن جوزی» دنبال میکنند، الان عمامه شان را بلند تر و کلاهشان را بالاتر بگذارند! طبعاً بیراهه رفتن شما حضرات، از بیابان سر درآوردن آقایان طب اسلامی است!

غوغاسالاری ها و هجمه های تیز و تند و بعضاً هتاکانه که توسط سخنوران و متولیان همایش های «نظام سلامت در اسلام» نسبت به مرویات موثق طبی نثار شد، جدای از اینکه حکایت روشن از «جدایی علم و دین» داشت، بستری را فراهم کرد برای این دست اقدامات! عالیجنابان صاحب منصب حدیثی در قم! که فقط تیغ تیز نقدتان یک لبه دارد! و با آن لبه هم فقط دامن اسلام را از طب و سلامت می زدایید! و ننگ عقلائی خواندن بهداشت مدرن را بر پیشانی خود می نهید! و رسوایی مهر برائت زدن، بر سیاست های شوم پزشکی مدرن را در فقه پزشکی به نام خود ثبت می کنید! بیایید و ثمره تفریط های خود را در افراط های حضرات طب اسلامی مشاهده کنید!

هنگامی که شما متبخرانه سخن از قلع و قمع کردن میراث حدیثی شیعه و صحت پنج درصدی این احادیث می گفتید و بی اطلاع از معتقدات حقه امامیه در «علم الامام» با حدیث مجعول تائیر نخل، پیامبر ص را از علم طب و امور دنیوی خلع ید می نمودید، باید تحمل آلام خارهای خارستان طب اسلامی را چشمانتان داشته باشید.



## ۳.. وضعیت اسفناک حوزه امروز!

بی رغبتی عملی علما، فقها و مدیران ارشد حوزه علمیه به پژوهش های روایی طبی، زمینه را برای جولان ناهلان فراهم کرد. نیک به یاد دارم چند سال پیش چندین سیاهه ممهور را برای برخی مدیران و معاونان ارشد حوزه ارسال کردم. همانجا هشدار این بی توجهی حوزه علمیه را به این میراث عظیم متذکر شدم و مدت مدیدی است به هر بهانه ای کاغذی را قلمی می کنم بدان امید که تنویری صورت گیرد و دماغی از جای خودش بجنبند! اما نه آبی از حضرات گرم شد و نه صدایی از کسی بلند شد و نه ککی از کسی گزش نمود!

حضرات مسئول در حوزه علمیه! زمانی که نه یک پژوهشگاه حوزوی را و نه حتی یک زیر پله نمود در فیضیه را به امر پژوهش و بررسی مرویات طبی اختصاص نمی دهید و حتی یک پول سیاه را هم در این امور روا نمی دارید، فی الحال رئوس مبارکتان را بالاتر بگیرد و این فضاخت مدعیان طب اسلامی را مشاهده کنید. یادتان باشد! هر کسی از این اوضاع امروز شکایت کند، شما حق تظلم و اعتراض و شکوه ندارید!

به عنوان یک متأمل در روایات طبی و آگاه به جریانات طبی موجود در حوزه معتقدم، نه مدیر و معاونان ارشد حوزه، نه جامعه مدرسین و نه حتی برخی بیوت، حق تبری، اعتراض و شکوه از این اقدام سفیهانه را ندارند! شما مدیدی است با سهل انگاری، کم کاری و بی خیالی نسبت به مرویات طبی، ناخواسته به این دست اقدامات داعش گونه دامن زده اید و زمینه به مقتل رفتن طب و اسلام را فراهم نموده اید.

زمانی که حتی یک مدرس و درس رسمی را در حوزه به پژوهش در مرویات طبی اختصاص نداده اید و جملگی اساتید و متفکرین حوزه را مشغول برگرداندن ضمائر بی ثمر کفایه و مکاسب کرده اید و بُکرتاً و عَشِیاً زوائد علم اصول را به نام علم و فقاقت قالب زده اید، باید الان بنشینید و به زبان سکوت سخن کنید و فضاخت موجود را تحمل کنید!

آن زمان که ما و همکشیان ما، حنجره قلماشان را پاره کردند و کرارا و مرارا متذکر شدند که آقایان مدیر حوزه! «فکری به حال وضعیت روایات طبی کنید» باید این روز را نیز پیش بینی می نمودید. شاید خلاصه این بخش، این فراز باشد که:

«ماه درخشنده چو پنهان شود، شب پره بازیگر میدان شود»



## ۴.. مسامحه دادگاه ویژه روحانیت!

امیر بیان فرموده اند: «يَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَحْبِسَ ... الْجُهَّالَ مِنَ الْأَطِبَّاءِ» بدون شک مسامحه و تاخیر در محکومیت قطعی و عادلانه این اقدام مشمئزکننده جایز نیست. هر چه دیرتر سر نشتر قانون و عدل بر عروق جهالت و افراط بنشیند، زمینه فراگیری این فساد نیز بیشتر می شود و لاجرم علاج آن هم دشوارتر! قطعاً نباید برخوردهای عادلانه قضایی فقط نسبت به یک فرد فروکاسته و محدود شود، بلکه برای یک مقابله سلبی صواب، باید تمام جغرافیای این جریان کاویده و ابعاد مختلف آن به همراهی جمعی از متفکرین این حوزه و جریان شناسان بررسی شود.

آن زمان که این جریان نطفه ای در رحم بود، به هشدارهای دلسوزان و اخطارهای مطلعین توجه نشد. اگر آن زمان با ایشان برخورد قاطعانه شده بود، زمینه تجری و گستاخی امروز این آقایان فراهم نمی شد.

ریشه افراط های امروز را در آن زمانی ببینید که چشم بر مفاصد این جریان بستید و مصانع و مجامله را به حد اعلا رساندید و از زیر سبیل مبارک، جرائم را آهسته رد کردید و به مشتی تعهد کاغذی قانع شدید. اگر مواجهه جدی صورت نگیرد، در آینده نیز باید منتظر سوزاندن یک کتابخانه پزشکی یا به آتش کشیدن یک بیمارستان باشید. والله العالم

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

علی امیری — ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۱

